

گزارشی از میزان خدمات و اقلام توزیع شده در زلزله خوی و عوامل موثر بر برخی نارضایتی‌ها

هیزم در آتش بی اعتمادی

روایت‌هایی متفاوت و دست اول از شرایط زلزله‌زدگان
در خوی، ترکیه و سوریه

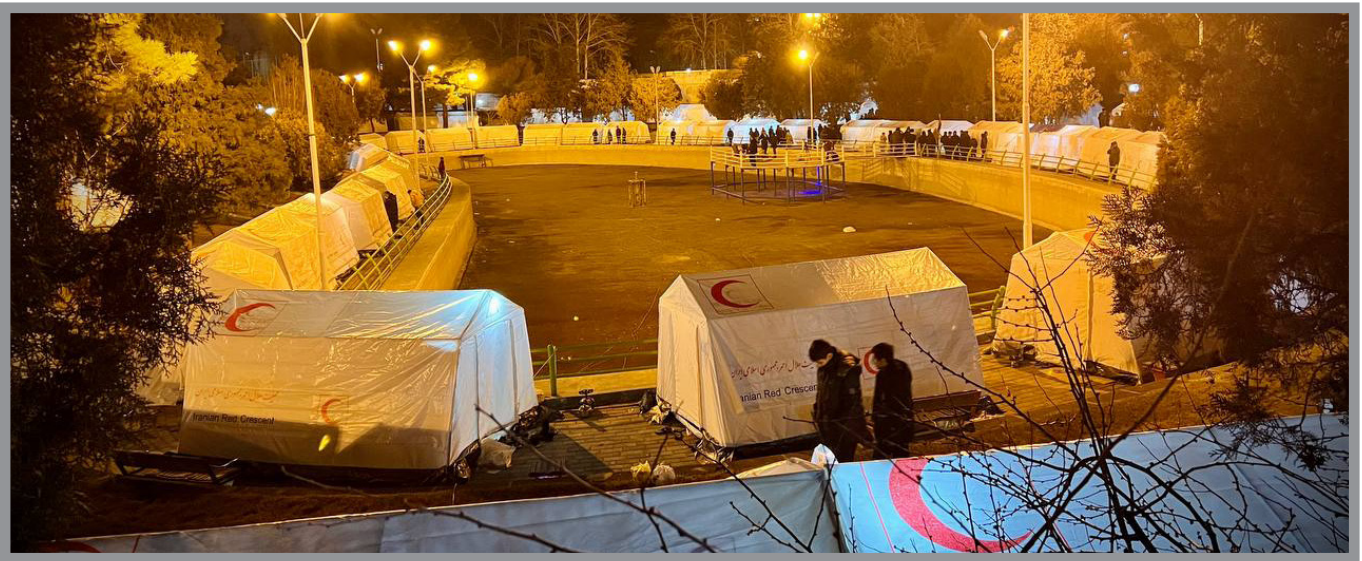
دور از مادر و نزدیک به او؛ کمپ‌های زلزله سایه‌سار
خانواده‌اش شدند

آنا، اوریم سنی ایستیر...^۶ آدیامان، ویران اما صبور^۴

گفت‌وگو با وحید هاتفی
رئیس اداره ساماندهی انبارهای امدادی کشور

با فناوری قهر کردیم^۸





گزارشی از میزان خدمات و اقلام توزیع شده در زلزله خوی و عوامل موثر بر برخی نارضایتی‌ها:

هیزم در آتش بی‌اعتمادی

رضا واعظی زاده | در زلزله خوی، انبارهای هلال احمر برای امداد رسانی به مردم زلزله‌زده خالی شد و امکانات زیادی به میدان آمادگی برخی رسانه‌ها مدعی شدند که مردم از خدمات ارائه شده نارضی بودند. در مشروح گزارش زیر تلاش بر آن است که دریچه‌ای برای پاسخ به این سوال پر تکرار بگشاییم که در عملیات توزیع اقلام امدادی در سوانح چه باید کرد که هم مردم راضی باشند و هم از اتلاف منابع جلوگیری شود؟

مردم بیشتر از خدمات پزشکی به روان‌شناس و مشاور نیاز دارند تا با ترس‌های خود کنار بیایند. از مسئول این واحد درمانی می‌پرسم که خدمات روان‌شناسی و مشاوره را چگونه ارائه می‌کنند؟ «روانشناس ما همچون بقیه پزشکان و پرستاران از تبریز آمده بود. ۲ روز اینجا بود ولی چون درگیر دانشگاه و تدریس بود، نتوانست بیشتر بماند و برگشت.» هلال احمر چند سالی است که تیم‌های «سحر» را برای حمایت‌های روانی از سانحه‌دیدگان تشکیل داده‌است. این تیم‌ها با مراجعه به محل تجمع بازماندگان سوانح، مراقبت‌های روانی از مردم به خصوص کودکان را بر عهده دارند. سازمان جوانان هلال احمر مسئول راه‌اندازی و ساماندهی این تیم‌ها است. به روابط عمومی سازمان تلفن می‌کنم و می‌پرسم که تیم‌های سحر کجا هستند؟ من در هیچ اردوگاهی آن‌ها را ندیده‌ام. پیگیری می‌کند و بعد از دقایقی مسئول جوانان هلال احمر آذربایجان غربی تلفن می‌کند و می‌گوید: «ما ۲ تیم فعال داشتیم. یک تیم از جوانان آذربایجان شرقی بود که امروز برگشتند. یک تیم هم از استان خودمان بود که بنا به مشکلاتی از امروز متوقف شده‌اند. انشالله از پس فردا، سه شنبه این تیم دوباره فعال خواهد شد.»

اردوگاه اسکان اضطراری بزرگ دیگری در پارک بانوان برپاست. مسئول اردوگاه می‌گوید: «دیروز عده‌ای چادرها را رها کردند و به خانه‌هایشان برگشتند. اما زلزله شدید در ترکیه آن‌ها را حسابی ترساند. دوباره به اردوگاه برگشتند و عده زیاد دیگری هم پشت در اردوگاه آمدند و چون ظرفیت اسکان تکمیل بود به دنبال چادر و اسکان، رفتند جلوی هلال احمر.» بنابراین همین ترس‌ها و شایعات بود

شدت و ریشت بالا می‌داشت. قبل از آن هم زلزله ۲۸ دی‌ماه رخ داد که سهمگین بود و خسارت‌های جزئی را به جای گذاشته و البته بازار شایعات هم داغ بود. در اردوگاه اسکان اضطراری دانشگاه پیام نور شهر خوی با خانواده‌ای گفت‌وگو می‌کنم که در میان چادرهای به هم چسبیده در سالن ورزشی این دانشگاه یک چادر برای زندگی دارند. مریم مادر خانواده می‌گوید: «این دخترم ۵ سال دارد. الان یک هفته‌است که دستشویی نمی‌رود و ما باید او را به محوطه باز ببریم. موقع زلزله در توالی بود که برق رفت و آنجا گیر افتاد و حالا از ترس به دستشویی نمی‌رود.» در همین سالن محمد و خانواده‌اش هم به چادرمانی عادت کرده‌اند. «من میگم باید بریم خونه ولی زن و بچه‌ام لج کردند و در چادر ماندند.» زنش در حرف او می‌پرد و به ترکی با لحنی معترض می‌گوید: «بعد از زلزله چهارشنبه (۲۸ دی) گفته بودند که ۱۰ روز نشده یک زلزله بزرگ میاد. حالا پیش‌بینی کردن که تا آخر ماه یک زلزله خیلی بزرگتر میاد و همه شهر با خاک یکسان میشه»

جمعیت هلال احمر آذربایجان شرقی برای کمک به زلزله‌زدگان، در محوطه اردوگاه اسکان اضطراری «توبوسرانی» در خوی یک واحد پایه درمانی در چادرهای بزرگ رایال برپا کرده‌است. ویزیت پزشکان متخصص و عمومی، تزریقات و پانسمان، زنان و مامایی، بهداشت محیط، آب و غذا بخش‌های مختلف این درمانگاه صحرایی را تشکیل می‌دهند. مامای داوطلب هلال احمر می‌گوید: «اغلب زنان باردار در شوک زلزله هستند. ما خدمات بهداشتی و درمانی زیادی ارائه می‌کنیم. به طور متوسط بیش از ۵۰۰ نفر در روز پذیرش می‌شوند اما

ظهر روز یکشنبه ۱۶ بهمن است. رئیس جمهوری ایران از بازدید چند روستای زلزله‌زده برگشته و اکنون در جلسه‌ای در فرمانداری خوی حضور دارد. پیش از آغاز سخنان آیت الله رئیسی، محمدصادق معتمدیان استاندار آذربایجان غربی پشت میکروفن در حال ارائه گزارش اقدامات انجام شده در زلزله، این جمله را می‌گوید: «امداد رسانی به مردم در زلزله خوی از به هم بیشتر بود.» البته استاندار آذربایجان غربی ممکن است زلزله بم را از نزدیک ندیده باشد و در جریان سیل کمک‌های مردمی و حجم سنگین اقلام ارسالی کشورهای خارجی نباشد که چنین با قدرت، زلزله خوی با ۳ نفر فوتی را با زلزله بم که براساس آمارها بیش از ۳۰ هزار کشته برجای گذاشت، مقایسه می‌کند. اما اگر او میزان امداد رسانی را به نسبت وسعت این دو سانحه مقایسه کرده باشد، عبارت قابل تصدیق را بیان کرده است. در واقع میزان اقلام و امکانات توزیع شده در خوی به نسبت خسارت این زمین‌لرزه آنقدر زیاد بود که با اختلاف از هر زمین‌لرزه دیگری در ایران از جمله بم، پیشی گرفته است.

تعداد خانه‌های آسیب‌دیده، غیرقابل سکونت در شهر خوی و روستاها بسیار اندک بود. در شهر فیروزق هم بیشترین تخریب در ۲ محله بود و اغلب منازل یا سالم بودند و یا نیاز به مرمت داشتند. پس چرا مردم اصرار داشتند خانه‌ها را ترک کنند و در چادر بخوابند؟

جای خالی حمایت‌های روانی و کوبیدن بر طبل شایعه

مدیرعامل جمعیت هلال احمر آذربایجان غربی می‌گوید: «مشکل اصلی، تعدد زلزله‌های پشت سر هم بود. مردم خیلی ترسیده بودند. پس لرزه‌های متعدد در سه روز اول،



که مردم را وادار کرد در سرما و سختی در چادر بمانند و منتظر کمک‌های مردمی و دولتی بنشینند.

مردم راضی یا ناراضی؟

بیش از ۱۰ روز از سانحه گذشته است. اکنون که هلال احمر پایان عملیات امدادرسانی را اعلام کرده و دستگاه‌های امدادرسان در حال ترک منطقه هستند؛ خیریه‌های کشور اqlام را تجمیع کردند و به منطقه رسانده‌اند. ما امروز در بخش فیروزک هستیم. منطقه‌ای که به کانون زلزله نزدیک بود و تعدادی از محله‌های آن بیشترین خسارت در تخریب منازل را به خود دیده‌اند. از فیروزک به جاده‌ای روستایی و آسفالت می‌پیچیم. ۵ روستا را پشت سر می‌گذاریم و در دامنه کوه‌های برفی و مرزی ایران و ترکیه به روستای «میری کندی» می‌رسیم. عکاس ما مشغول عکس گرفتن از کمک‌های مردمی به مردم زلزله‌زده این روستا شده‌است. در اینجا یک کامیونت پلاک اصفهان ایستاده است. یک لکسوز سواری پلاک اصفهان هم در کنار آن متوقف شده. مردم صف کشیده‌اند و از این کامیون دسته دسته پتو خارج می‌شود. ۱۰۰ متر بالاتر عده‌ای زن و کودک در کنار یک سمند مشکی پلاک تبریز حلقه بسته‌اند. «سلدا» دختری تبریزی است که همراه با مادر و پدرش چکمه و کاپشن در سایزهای مختلف را خریده، یک سبد بزرگ ساندویچ خانگی درست کرده و به این منطقه آمده است. سلدا می‌گوید: «من در اینستاگرام یک پیج کیک دارم. کیک تولد و مناسبتی درست می‌کنم. در همان‌جا اعلام کردم که قصد کمک به زلزله‌زدگان خوی را دارم و مشتربان قدری بیشتر از ۵۰ میلیون تومان را به حسابم واریز کردند که با آن پول این لوازم تهیه شد.» سرگرم گفت‌وگو با سلدا هستم که دو کامیون بزرگ ارتش و چند خودروی سبک باری با پلاک نیروی زمینی با شتاب از جاده می‌گذرند. در حالی که عده‌ای جوان از اهالی ارومیه آن‌ها را همراهی می‌کنند و بر کامیون‌ها نوشته شده «توزیع کمک‌های مردمی شهروندان ارومیه توسط تیپ ۴۱ هجومی حرکتی نیروی زمینی ارتش - ارتش - فدای ملت». در همین روستا به سراغ اهالی می‌روم که اکنون در چادر هستند. مادری با ۲ فرزند خردسال چادر را به خوبی فرش کرده و چهارطرف آن را از داخل پتو انداخته است. او تنها فارسی زبانی است که در میری کندی پیدا می‌کنم: «مادر شوهرم به ما کمک نمی‌کند. از خود خانه‌ای نداریم. شوهرم مشکل روحی و عصبی دارد. اکنون کمک‌های خیرین خیلی برای زندگی ما کمک حال شده». از او می‌پرسم خانه مادر شوهرت سالم است و پاسخ «بله» می‌دهد. از چادر او که بیرون می‌آیم نیشان آبی رنگ همراه با رئیس کمیته امداد خوی از راه می‌رسد. فردی از مشهد آمده که از خیران بزرگ کشور است و انواع کاپشن بچه‌گانه را به تن کودکان سایز می‌کند. در مسیر برگشت به سمت خوی از چند اردوگاه شهری سرکشی می‌کنم.

توزیع، زیر سایه ناامنی

بر اساس این مشاهدات، به نظر می‌رسد توجه خیران به مناطق محروم روستایی بیش از شهری است اما هم شهرنشینان و هم روستاییان همچنان ناراضی هستند و با هر کس احوال‌پرسی می‌کنم در اولین جمله می‌گوید

مخالف این کار بودند و قصد داشتند موضوع را با گفت‌وگو حل کنند. اما مأموران معتقد بودند که هیچ کس جز خودشان حق تصمیم‌گیری ندارد و البته این اتفاق هم در شبکه‌های مجازی به اسم هلال احمر تمام شد. در واقع تامین امنیت گاهی از آب رقیق‌تر بود و گاهی از عسل غلیظ‌تر.

چرخیدن پاشنه در، بر همان چارچوب کهنه گذشته

صبح ششم بعد از زلزله است. یک صف طولی از شهروندان به پشت دریاچه یکی از اتاق‌های شعبه هلال احمر خوی می‌رسد. ۳ نفر از کارکنان هلال احمر در داخل اتاق مشغول پس دادن کارت ملی به صاحبان آن کارت‌ها هستند. می‌پرسم این کارت‌ها را از کجا آوردید؟ می‌گویند: «چند روز که گذشت گفتند از افراد در ازای تحویل چادر، یک کارت ملی به امانت بگیرید. حالا بنیاد مسکن در حال ارزیابی منازل آسیب‌دیده است و چون مردم به کارت‌های ملی خود نیاز دارند؛ قرار شد که از امروز کارت‌های آن‌ها را پس دهیم.» می‌پرسم مگر قرار بر این بود که چادرها را پس بیاورند که کارت ملی آن‌ها را به امانت گرفتیم: «نه چادرها را که هلال احمر پس نمی‌گیرد. در گذشته هم چنین بود. هلال احمر در هیچ کجای ایران پس از یک حادثه اqlام توزیع شده را پس نمی‌گیرد. علاوه بر این خانواده‌هایی هستند که همه اعضای آن با ارائه کارت ملی یک چادر جداگانه دریافت کردند و ما سیستمی برای کنترل این موضوع نداریم.» مهدی ولی‌پور که اکنون از پیشکسوتان امداد و نجات در ایران است تا قبل از زلزله خوی ریاست سازمان امداد و نجات هلال احمر را بر عهده داشت. از او می‌پرسم چرا سامانه نرم‌افزاری توزیع تاکنون در هلال احمر ایران فعال نشده است تا امکانات عادلانه و برای همه به شکل برابر توزیع شود: «واقعیت این است که برای توزیع اqlام امدادی هیچ راهی جز استفاده از فناوری نداریم. تا قبل از بازنشستگی من، موضوع راه‌اندازی بستر نرم‌افزاری توزیع، دغدغه اصلی بود. اما متأسفانه اتصال و پشتیبانی با بستر سازمان ثبت احوال برقرار نشد. بی شک راه‌اندازی این سامانه، اولین گام اساسی برای انضباط در توزیع اqlام امدادی در سوانح خواهد بود.»

که به ما هیچ امکاناتی ندادند. این قول اگرچه در هفته دوم زلزله صادق نیست اما در روزهای نخست چنین بوده است. بر اساس گزارش‌ها در ۲۴ ساعت اول توزیع چادر و اqlام زیستی متمرکز بر عده‌ای اندکی بود که خانه‌هایشان قابل سکونت نبود. مدیرعامل هلال احمر آذربایجان غربی می‌گوید: «یک دفعه یک مطالبه بزرگ شکل گرفت. همه شهروندان توقع دریافت امکانات داشتند. چون هراس در خانه ماندن به جانشان افتاده بود. البته این توقع تا امروز هم که یک ماه از زلزله می‌گذرد هم چنان ادامه دارد.» محبوبی در ادامه از افرادی می‌گوید که بر این توقعات مردمی دامن زدند و هیزم بر آتش ریختند. «متأسفانه عده‌ای به جای آگاه کردن مردم از چارچوب وظایف هلال احمر، آن‌ها را تحریک و فشار را بر ما تحمیل می‌کردند.»

این نمایش تبلیغاتی عده‌ای از افراد، در هفته دوم پس از زلزله به اوج خودش رسید. کار تا جایی بالا گرفت که در تعدادی از بلوارهای ورودی و اطراف شهر خوی به کامیون‌های هلال احمر حمله شد و اqlام به سرقت رفت. مردی با عصبانیت اجناس را در بغل گرفته بود و از کامیون مورد هجوم قرار گرفته دور می‌شد. من موفق شدم با او هم کلام شوم: «حق ماست. حق ما را دارن می‌خورن، به انبار می‌کنن تا به قوم و خویش خودشون بدن.» آنچه مدیران هلال احمر، سرقت اموال می‌نامند از سوی طرف مقابل گرفتن حق دانسته می‌شود. محبوبی تعبیر جالبی دارد: «حدود ۳۰ درصد از توزیع چادر و اqlام ما «امدادی» بود. الباقی که ۷۰ درصد آن است، زیر بار فشار عده‌ای از افراد غیر هلال‌احمری انجام شد.» نکته قابل توجه این است که این افراد نتوانستند دستگاه‌های عضو ستاد مدیریت بحران را مجاب کنند تا با همت بیشتری در کنار هلال احمر به کمک بپردازند. این موضوع همچون اغلب سوانح قبلی در کشور در زمینه تامین امنیت انتقال و جابه‌جایی محموله‌ها به چشم آمد. در روزهای اول تا سوم پس از زلزله، تعداد سرقت از کامیون‌های حمل اqlام امدادی زیاد بود. در مقابل در جلوی شعبه هلال احمر خوی وقتی مردم به سمت در ورودی محوطه هجوم آوردند؛ نیروی انتظامی سعی کرد با آب‌پاش، مردم را پراکنده کند. در حالی که امدادگران



روایت‌هایی متفاوت و دست اول از شرایط زلزله‌زدگان در خوی، ترکیه و سوریه:

آدیامان، ویران اما صبور

فاصله‌شان به یک ماه هم نمی‌رسد؛ سومین زلزله شهرستان خوی، به شدت ۵٫۹ ریشتر در عمق ۱۰ کیلومتری، در ۸ بهمن‌ماه به وقوع پیوست، ۹ روز بعد، ۱۷ بهمن‌ماه زلزله‌ای به شدت ۷٫۸ ریشتر و در عمق ۷ کیلومتری در ترکیه و سوریه احساس شد. هر دو زلزله، با شدت، عمق و خسارات متفاوت اتفاق افتاد، همین اولین تفاوت این زلزله‌هاست، تفاوت‌ها اما بیشتر از این است؛ آمار می‌گوید که در هر منطقه بیش از ۲ هزار پس‌لرزه پس از وقوع زلزله احساس شده است، در شهرستان خوی، ۳ نفر جان خود را از دست دادند و ۱۴۴۵ نفر به دلیل ترس و فرار دچار آسیب شدند، در کشورهای ترکیه و سوریه، آمار جانباختگان بیشتر است و هر روز هم به شمار آن اضافه می‌شود؛ فقط در ترکیه و تا لحظه تحریر گزارش، بیش از ۴۵ هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند؛ با وجود این که عمق، شدت و آسیب هر دو زلزله متفاوت است اما مواجهه افراد با بحران و امدادسانی در کشورها متفاوت است؛ این نه حرف ما که حرف عکاسان، خبرنگاران و امدادگرانی است که در مناطق زلزله‌زده حضور داشتند.

اعتمادی که نیست، اعتمادی که هست

محمد زندی‌فرد - خبرنگار

در روز اول حضور در منطقه زلزله‌زده خوی، فکر کردم که نه به یک منطقه زلزله‌زده که به شهری با روال عادی زندگی وارد شده‌ام؛ بیشتر منازل در ظاهر سالم بودند و تخریب و یا ترک‌خوردگی از بیرون ساختمان مشخص نبود. با این حال اما، مردم در نیمه‌های شب جلوی درب ساختمان هلال‌احمر خوی حاضر می‌شدند. در ابتدا برایم جای سوال بود که چرا باید این طور باشد؟ بعد اما زمانی که گشتی در شهر زدم و با مردم گفت‌وگو کردم، احساس ضعف مدیریت در توزیع اقلام نظرم را جلب کرد. در این گفت‌وگوها بود که متوجه شدم، بسیاری از مردم، انتظاراتی خارج از حد توان و یا مسئولیت گروه‌های امدادی و مدیران دارند، اغلب آن‌ها از اسکان در اردوگاه‌های هلال‌احمر خودداری می‌کردند و دوست داشتند که در کوچه‌ها و یا خیابان مستقر شوند. این موضوع در هیچ کشوری قابل قبول نیست. اهالی شهرستان خوی، تحت تاثیر فضای مجازی قرار داشتند و به همین دلیل درخواست دریافت چادر امدادی را مطرح می‌کردند و زمانی که با جواب منفی مواجه می‌شدند، به شدت ناراحت می‌شدند. برخی از آن‌ها به نیروهای امدادی بدبین شده بودند. مردم اغلب معترض بودند اما در انتها با صحبت‌های گروه‌های امدادی آرام

و قانع می‌شدند. نکته بدتر این است که در خانه‌هایی حاضر بودم که مردم اقلام خوراکی و چادر در آنجا ذخیره کرده بودند؛ انگار که وارد انبار یک ارگان امدادی شده‌ام. اقلامی که برای همه عموم به دست یک نفر و در اتاق‌ها احتکار شده بود.

مردم به فکر هم‌نوع خود بودند

حدود یک هفته از زلزله ترکیه گذشته بود که من به همراه تیم رسانهای وارد شهر آدیامان ترکیه شدم. غم و غربت تمام شهر را فرا گرفته بود؛ همه ساختمان‌ها فرو ریخته و شهر کاملاً ویران بود. یکی از شب‌ها از شدت سرما به آتش روشن کنار ویرانه‌ها پناه بردم، اهالی شهر هم در خیابان آتش روشن کرده بودند؛ آن‌ها به عابرین، چای و سوپ تعارف می‌کردند. مدیران شهری، شهر را خالی از سکنه کرده و همه اهالی را موظف کرده بودند تا در اردوگاه‌های اسکان اضطراری مستقر باشند. در زمان توزیع اقلام ضروری، همه اهالی شهر و حتی نیروهای امدادی، باید در صفوف منظم می‌ایستادند و در حد نیاز غذا برمی‌داشتند. تعریف یک خاطره خارج از لطف نیست؛ زمانی که به یکی از کمپ‌ها مراجعه کردم و متوجه شدم که اغلب افرادی که در آنجا اسکان پیدا کرده‌اند، آوارگان سوری‌اند. یک داروخانه سیار در آنجا احداث شده بود و جلوی درب این داروخانه یک میز بزرگ از اقلام بهداشتی بانوان و غذای کودک قرار داشت؛ در ابتدا فکر کردم که این اقلام برای فروش آنجا گذاشته

شده، اما بعد از پرس‌وجو متوجه شدم که این اقلام به صورت رایگان و برای رفع نیاز افراد ساکن در نظر گرفته شده است. من در عملیات‌های زیادی و در داخل ایران شرکت کرده‌ام، با این حال اما هیچوقت شاهد این صحنه نبودم. فکر می‌کنم که دلیل این اتفاق این است که دولت ترکیه به شهروندان خود تضمین کرده تا آخرین لحظه کنار مردم خواهد بود و مردم هم در عین اعتمادی که به دولت دارند، به حق خود قانع بودند و به هم احترام می‌گذاشتند.

صبر، رعایت قانون و قهرمانی به نام امدادگر

بهنام رضازاده-امدادگر

از همان ساعات اولیه در شهرستان خوی حضور داشتم و دو روز بعد از وقوع زلزله ترکیه هم وارد شهر اصلاحیه شدم. در آن زمان هنوز نه اسکان اضطراری و نه توزیع اقلام شروع نشده بود. روز سوم بود که آفاد ترکیه کمپ‌هایی را برای اسکان اضطراری در فضای خارج از شهر، ایجاد کرد و توزیع اقلام خوراکی و بهداشتی در این کمپ‌ها را انجام داد. توزیع اقلام و مواد غذایی اما اندک و کم بود، یک قاشق پاستا و یک کاسه سوپ، غذایی بود که برای توزیع بین افراد آسیب‌دیده در زلزله، در نظر گرفته شده بود. هیچ‌کس حق نداشت که در فضای شهری، چادر برپا کند، همه مردم باید در جایی خارج از شهر و در کمپ‌ها اسکان پیدا می‌کردند که مسئله

بهداشت در آنجا برقرار بود. نکته مهمی که در زلزله ترکیه وجود داشت و در خوی دیده نمی‌شد، همراهی مردم زلزله‌زده با مسئولین بود، به این شکل که برقراری امنیت در شهر تنها به عهده نیروهای انتظامی بود و وقتی اطراف یک ساختمان، نوار زرد کشیده می‌شد، هیچ کسی حق نداشت، به ساختمان نزدیک شود. زمانی که نیروهای انتظامی در زمان آواربرداری احساس کردند که صدای فردی را زیر آوار شنیدند و از همه، از امدادگران و مردمی که دور از صحنه حاضر بودند، خواستند تا ساکت باشند، به یک باره همه ساکت شدند و حتی خودروها هم خاموش شد تا نیروی انتظامی مطمئن شود، صدایی که شنیده، از فردی بوده است و یا این که نه. وظیفه انتقال اخبار آواربرداری، بیرون کشیدن فوتی و یا زنده فردی، از زیر آوار به عهده نیروهای انتظامی بود.

نیروهای حمایت روانی، وابسته به دپارتمان روانشناسی ترکیه هم به صورت نامحسوس حضور داشتند، تعداد آن‌ها به اندازه تیم‌های سحر هلال احمر نبود و برنامه ویژه‌ای هم نداشتند اما اگر فرد داغ‌دیده‌ای را می‌دیدند کنار او می‌نشستند و با او صحبت می‌کردند. نیروهای وابسته به وزارت دیانت ترکیه هم در بیمارستان‌ها حاضر بودند که کار کفن و دفن شرعی افرادی که جان خود را از دست داده بودند، انجام می‌دادند و بعد برای خاکسپاری به خانواده‌ها تحویل می‌دادند.

از روز ششم به بعد، نیروهای امدادی زیر نظر نیروهای آفاد وارد عمل شدند و در جلوی کتابخانه و یا در کمپ‌ها میزهایی را گذاشته بودند تا هر کسی به حد نیازش، غذا، لباس، کفش و وسایل مورد نیاز دیگر بردارد؛ هر کسی حتی امدادگران هم در صورت لازم داشتن وسیله‌ای در حد نیاز، اقلام را برمی‌داشتند.

یکی از تفاوت‌هایی که در زلزله خوی و ترکیه وجود داشت، این بود که در خوی، مردم انتظار داشتند که از همان روزهای ابتدایی به زندگی عادی برگردند، در حالی که در ترکیه، مردم انتظار نداشتند که با سرعت به زندگی عادی برگردند. صبر، شکیبایی و تحمل با وجود این که بسیاری از خانواده‌ها داغدار بودند، بزرگترین تفاوت بین زلزله ترکیه و خوی است. در صورتی که در زلزله خوی، آسیب به حد زلزله ترکیه نبود و در مقایسه با آن، اقلام بیشتری هم توزیع شد اما مردم ترکیه انتظار داشتند که در ابتدا، امدادگران که قهرمان آن‌ها بودند، غذا میل کنند و بعد اگر چیزی باقی ماند، در بین آن‌ها هم غذایی توزیع شود. به اضافه این، نیروهای وابسته به وزارت بهداشت ترکیه در تمام ۲۴ ساعت، حواسشان به امدادگران بود؛ برای آن‌ها چای و غذا می‌آوردند و حتی شرایط روحی و جسمی او را بررسی می‌کردند و حواسشان به شارژ موبایلشان هم بود تا کم نشود.

منطقه جنگی، منطقه زلزله زده

مصطفی شوقی - مستندساز

قبل از این که درباره زلزله سوریه و مواجهه افراد با بحران صحبت کنم، باید پیشینه تاریخی سه شهر زلزله‌زده بررسی شود؛ سه شهر حلب، ادلب، و لاذقیه که در شمال سوریه واقع‌اند و با زلزله ترکیه لرزیدند. ادلب در دست تروریست‌های جبهه‌النصره قرار دارد؛ لاذقیه و حلب هم

پیش از وقوع زلزله، درگیر جنگ بود؛ به دلیل جنگ و مشکلات داخلی که پیش از این هم وجود داشت، این سه شهر زیبا تبدیل به ویرانه شده بود و بسیاری از شهروندان طعم آوارگی و گرسنگی را چشیده بودند. پیش از این هم، زخم ویرانی بر چهره شهر وجود داشت و شهروندان با مشکلاتی از جمله نبود امکانات اولیه حیات، نبود غذا و بهداشت دست‌وپنجه نرم کرده بودند. زمانی که زلزله به وقوع پیوست در شهر حلب حضور داشتم. در ساعات اولیه در صحنه حاضر شدم؛ هیچ امدادگری برای کمک حضور نداشت. به دلیل جنگ، بسیاری از خانه‌ها ویران و یا نایمن بود، حال، زلزله مزید بر علت شده بود و ویرانی را بیشتر هم کرده بود. شهر به یکباره از سکنه خالی شد. در همان ساعات اولیه اما نیروهای جنگی که پیش از این در جبهه نبرد حاضر بودند، در جبهه دیگری، در جنگ با بحرانی دیگر حاضر شدند و شروع به امدادسانی و آواربرداری کردند. در همان ساعات اولیه، اقلام ضروری و خوراکی با افزایش قیمت ۴ تا ۵ برابری مواجه شد. محله‌هایی مانند صلاح‌الدین که پیش از این هم خراب و ویران بود، به یکباره به تلی از خاک تبدیل شد. ویرانی شهر گسترده بود؛ با این حال اما صحنه‌های نابی وجود داشت که نشأت گرفته از فرهنگ غنی و ریشه تاریخی شهر حلب و مردم سوریه است. پیش از این، شهروندان حلب هم از نظر فرهنگی و هم از نظر اقتصادی غنی بودند؛ چهره زشت جنگ، غنای مالی را از آنان گرفت اما غنای فرهنگی را نه؛ در همان روزهای ابتدایی که مشغول توزیع اقلام و مواد غذایی بودم، دیدم که مردم سوری، با وجود تنگدستی و مشکلاتی که پیش از این هم وجود داشت و پس از آن هم ادامه دارد، اما به اندازه نیاز غذا برمی‌داشتند؛ برخی حتی به دلیل بحران به وجود آمده، تمایلی به دریافت غذا نداشتند تا غذا به دیگران برسد. آن‌ها بصور و مهربان بودند، تنها نگرانی‌شان اضطراب از آینده‌ای بود که بیش از پیش مبهم‌تر شده بود.

زلزله‌ای به مثابه یک دانشگاه

محمد جوادزاده - عکاس

اگر وقوع حوادث بزرگ که زندگی عادی انسان‌ها را از چرخه عادی خود خارج می‌کند به قبل و بعد آن اتفاق تقسیم کنیم، می‌شود به درستی چشم‌اندازی برای کنترل خسارت‌های بلایا داشته باشیم. ساخت و

ساز اصولی ساختمان‌ها اولین عامل برای پیشگیری از وقوع فجایع است؛ اما پس از آن دستگاه‌های امدادگران و وجود زیرساخت‌های از پیش مشخص شده، حرف اول را در ساعات طلایی نجات می‌زند. زلزله مهیب ترکیه نمونه‌ای از این فجایع بزرگ است که می‌توان با مشاهده شکل امدادسانی به آموزه‌های مهمی دست یافت. در ابتدا با توجه به وقوع چنین زلزله بزرگی دولت مرکزی ترکیه از تمام کشورها درخواست کمک کرد. شناخت توانایی‌های کشور در چنین شرایطی مهم‌ترین اصل در مدیریت بحران است. مدیریت گروه‌های اعزامی توسط کشور ترکیه که از تمام کشورها به فرودگاه غازیان تپ می‌رسیدند، خود چالش بزرگی است که با پیش‌بینی اتوبوس‌هایی از پیش تعیین‌شده، با اعزام سریع تیم‌ها به محل تعیین شده، حل شد. پیش فرض کشور ترکیه بود که تیم‌ها خود برای تیم‌های امدادی، کمپ اسکان دارند بنابراین دغدغه‌ای بابت اسکان تیم‌های امدادی کشورهای دیگر نداشتند، با این حال فرمانداری شهری که در آن مستقر بودیم، پذیرای افرادی بود که از گزند سرما به آنجا پناه می‌بردند. مشخص بودن وظایف هر کدام از دستگاه‌ها باعث سرعت‌بخشی به امدادسانی شد. هیچ ارگان و یا سازمانی حق دخالت در وظایف دیگر دستگاه‌ها را نداشت و هر ارگانی صرفاً وظیفه خود را انجام می‌داد؛ از جمله این که هلال احمر (کیزلای) ترکیه وظیفه تامین غذا را بر عهده گرفته بود. آفاد یا سازمان امدادونجات ترکیه علاوه بر جست‌وجو و نجات مسئول تامین چادر و برپایی کمپ‌ها نیز بود. نیروهای ارتش نیز مسئول برقراری امنیت بود که به درستی کار خود را انجام می‌داد. نیروهای ژاندارم نیز وظایف گسترده‌ای از قبیل کنترل عبورومرور، امنیت منازل و حل‌وفصل اختلافات مردم را برعهده داشتند. فارغ از تمام وظایف گروه‌ها و سازمان‌های فعال، فرهنگ زیست مردم در شرایط بحرانی حائز اهمیت است که باعث ساماندهی تمام این خدمات می‌شد. عمق حادثه در ترکیه به اندازه‌ای بزرگ بود که نیاز به کالبدشکافی دقیق برای بازشناسی این وضعیت دارد تا از این گذر بتوان درس‌هایی را برای کشوری چون ایران که حادثه‌خیز است، تئوریزه کرد. زلزله ترکیه اگر به درستی به آن پرداخته شود قطعاً چون دانشگاهی محلی است برای یادگیری مدیریت بحران.



ماموریت بی پایان زهرا در خوی

زهرا رحیم زاده، از سال ۸۵ هلال احمری شده و ۵ سال است که بی وقفه و پیوسته خدمت‌رسانی به هموطنانش را ادامه داده تا رسیده به زلزله‌ی خوی؛ به گفته خانم رحیم‌زاده از اولین شب زلزله خوی که ۱۸ مهرماه رخ داد بلافاصله طبق فراخوان در مناطق زلزله‌زده مستقر شد و کار امدادرسانی را شروع کرد، اما این ماموریت زهرا ادامه دار شد و به زمین‌لرزه دوم که ۸ بهمن‌ماه با قدرت بیشتری زمین را لرزاند رسید. زلزله دومی سنگین تر از اولی بود و مدت زمان بیشتری هم او را در مناطق خوی نگه داشت.

زهرا؛ روانشناسی خوانده و امدادگری یاد گرفته

زهرا با مدرک کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، سرتیم تیم‌های "سحر" یا همان حمایت‌های روانی در زلزله‌ست و به واسطه همین پستی که به او دادند پای درد و دل زلزله‌زدگان می‌نشیند، گلایه‌هایشان را می‌شنود و سعی می‌کند در کنار برآورده کردن نیازهایشان، نگرانی‌هایشان را هم برطرف کند و قرار را به دل نا آرامشان برگرداند.

کمی آن طرف تر وقتی در لباس امدادگر و در سوله مستقر می‌شود به بسته‌بندی و توزیع اقلام اشاره می‌کند و می‌گوید همه فرآیند کنترل شده است، تقریباً هر روستایی که نیاز به چادر داشته چادر گرفته و هرکسی که باید در کمپ مستقر می‌شده، با امکانات کامل به کمپ‌ها رفته و اسکان یافته است.



دور از مادر و نزدیک به او؛ کمپ‌های زلزله سایه‌سار خانواده‌اش شدند

آنا، اوریم سنی ایستیر...

الهام علمشاهی | زهرا و خانواده‌اش از آسیب‌دیدگان زلزله خوی هستند؛ خانواده‌ای که الان در چادرهای هلال اسکان دارند و او را برای امدادرسانی به میان دیگر زلزله‌زده‌ها فرستاده‌اند.

زهرا؛ خودش به همراه خواهر و همسرش امدادگر هلال احمر هستند، شغل و پیشه‌ای دیگر دارند اما دغدغه‌ی امداد و کمک به همشهری‌هایشان آنها را به سمت کمپ‌ها و محل اسکان زلزله‌زده‌ها کشانده، میان ساکنین این کمپ‌ها پدر و مادرش را هم می‌توان پیدا کرد اما به گفته او در یک هفته اخیر تنها فرصت کرده ۱۰ دقیقه مادر را ببیند و همه مکالمات تلفنی بوده، «سلام آنا، اوریم سنی ایستیر اما گرج بوردا گالام و امداد ورم، الله تاپیشیردیم سیزی» این جملات ترکی تکراری که معنی‌اش می‌شود «مادر دلتنگتم اما باید اینجا بمانم و کمک کنم، شما را به خدا می‌سپرم»، همان مکالمه‌های تلفنی و روزانه‌ی زهرا است که از چند متری کمپ زلزله‌زدگان و محل استقرار امدادگران برقرار می‌شود.

باطری جسم ما امدادگران با لبخند نیازمندان شارژ می‌شود

زهرا با بغض گرفته در صدایش می‌گوید ما امدادگران با دل و جان آمدیم، تمام توانمان را گذاشتیم که حتی شده یک لبخند بر روی لب‌های همشهری‌هایمان بیاوریم. گاهی باطری جسمی خودمان خالی می‌شود با اندک زمان استراحتی دوباره شارژش می‌کنیم و به کمپ‌ها برمی‌گردیم تا در کنار زلزله‌زدگان به آنها خدمت کنیم. در واقع همان لبخندی که نقش می‌بندد بر صورت نیازمندان باطری وجودی ما را هم شارژ می‌کند...

افتخار می‌کنم سندم به نام هلال احمر است

«من مهر اموال اداره خورده‌ام» شوخی که زهرا می‌کند و می‌گوید از بس که خانوادگی وقف جمعیت هلال احمر شده‌ایم انگاری جزو اموال جمعیت به حساب می‌آییم. اما سندمان به جای پر قیمت و ارزشمندی خورده است و به آن افتخار می‌کنم.

قصه زهرا و شیرین‌زبانی‌های با لهجه ترکی‌اش روایت همان جنس فداکاری برای هم‌نوع و هم‌وطن است که ما مردم ایران با تمام سلول‌های وجودی‌مان آن را درک می‌کنیم، بیش‌باد این جنس مهربانی‌ها.

و اما برای زنان زلزله‌زده

یکی از دغدغه‌های زهرا به عنوان یک زن در کمپ‌ها موضوعات بهداشتی مربوط به بانوان بوده؛ سعی کرده حتی با جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیر نقدی نیاز اساسی بهداشتی زنان را اولویت قرار دهد تا در چنین موضوعاتی چالشی به وجود نیاید.

قصه خواهران و زوج‌های هلالی خدمت‌رسان به زلزله‌زدگان خوی

«فرشید را شاید ۱۰ دقیقه در طول روز ببینم»؛ این جمله از سر دلتنگی زهرا به فرشید است؛ فرشید همسر زهراست و او هم امدادگر داوطلب است. زهرا و همسرش فرشید یک زوج هلالی هستند و هر دو باهم از ابتدای دو زلزله‌ی خوی در کنار زلزله‌زدگان بوده‌اند. البته خواهر زهرا و همسرش هم زوج هلالی محسوب می‌شوند، دو زوجی که خانواده خود را در چادر اسکان اضطراری هلال احمر مستقر کرده و بیشتر از رسیدگی به آنها در کنار دیگر همشهریان خود هستند. آنها مسئولیتی که بر عهده‌یشان گذاشته شده را اولیت قرار داده و گاهی به جای دیدار حضوری با پدر و مادر فقط تلفنی احوالپرسی می‌کنند، اما خب پدر و مادر هم آنها را درک می‌کنند و قدردان تلاش‌ها و خدمت‌رسانی‌هایشان هستند. اینجا بغض صدای زهرا به اشک ریختن تبدیل شده و می‌گوید «گونوم ایستیر آنامی اما گرح همشهری‌لریمه خدمت الییم» یعنی دلتنگ مادرم هستم اما خدمت به همشهری‌هایم واجب تر است، ما هم می‌گوییم «باشاییسان قیز» یا همان «زنه‌باد دختر»

به زلزله‌زدگان گلایه‌مند حق می‌دهیم و اقناعشان می‌کنیم

هر امدادگری که اینجاست به نوعی آچار فرانسه‌ست؛ به گفته خانم رحیم‌زاده امدادگران هر کاری که به آنها واگذار شده را بی‌چک و چونه انجام می‌دهند و به نوعی همه فن حریف شدند. ما در سوله‌های تقسیم اقلام و چادرها به جز تهیه و بسته‌بندی اقلام، لیست‌بندی، خدمت‌رسانی در قالب تیم‌های سحر و امداد رسان و دیگر موارد پاسخگوی زلزله‌زدگان گلایه‌مند هم هستیم؛ به آنها حق می‌دهیم چرا که شرایط سختی دارند و وظیفه ما هم خدمت تمام و کمال است. گاهی حین بسته‌بندی اقلام، مراجعینی داریم که از نحوه توزیع چادرها گلایه می‌کنند اما بعد از شنیدن توضیح ما که «هدف از امداد رسانی در بحران تقسیم عادلانه چادرها و اقلام در کنار اسکان به موقع و موقت آسیب‌دیدگان است» اقناع می‌شوند. زهرا می‌گوید سخت است دیدن چشمان غصه‌دار هموطن آن هم از نوع همشهری، احساس می‌کنم باید به قدری تلاش کنم که جای گلایه نماند و در مدت کوتاهی که می‌زبان همشهری‌هایم در کمپ‌ها هستم شرایط را به بهترین شکل برایشان رقم بزنم. اما در نهایت امیدوارم لبخندی که گاهی بر گونه‌های سرخ سرمازده زلزله‌زدگان نقش می‌بندد و چشمانم را خیره می‌کند از سر رضایت باشد و بس.



ناهار، بهانه احوالپرسی با مادر در کمپ‌های زلزله‌زدگان شده

برای خانواده‌اش پارتی بازی نکرده و چادر برایشان نگرفته، آنها هم در کمپ‌ها همچون سایرین مستقر شده‌اند. گاهی ناهار را کنار آنها می‌خورد و بهانه‌ای می‌شود برای احوالپرسی از دُرْدانه‌های قلبش ... فرصت نمی‌شود یک دل سیر زیر چادر هلال مادر دختری کنند، اما خب زهرا برای مادران دیگر، در چادرهای کناری هم دخترانگی می‌کند تا شیرین‌زبانی‌هایش بشود کمی حال خوب در دل همان آواره‌گی‌های زلزله ...



گفت‌وگو با وحید هاتفی رئیس اداره ساماندهی انبارهای امدادی کشور

با فناوری قهر کردیم

سمیرا صیدی | وحید هاتفی رئیس اداره ساماندهی انبارهای امدادی کشور می‌گوید: «انبارها دارای یک سیستم نرم افزاری بود که هرگونه ورود و خروج اقلام در آنها ثبت میشد و هر لحظه امکان گزارش گیری داشت. اما متأسفانه از دو سال گذشته تاکنون این سیستم به دلایلی دچار اشکال شد و سپس قطع شد. از جمله مشکلاتی که می‌توان به آن اشاره کرد عدم تامین مالی و تخصیص اعتبار است که موجب شده تا این لحظه خرید نرم افزار جایگزین برای جمعیت انجام نشود. اکنون هم جمع آوری اطلاعات انبار و گزارش‌های مورد نیاز بصورت دستی و هر دو هفته یکبار از کل استان‌ها انجام می‌شود. همین طولانی شدن پروسه کار، سختی‌های گزارش گیری و نظارت بر آن، پایش مستمر و تلاش کارشناسان استان‌ها و سازمان امداد، باعث شده تا آمار انبارها دارای دقت قابل قبولی باشد.»

هاتفی در این گفت‌وگو از ساز و کار انبارداری و توزیع اقلام امدادی در جمعیت هلال احمر می‌گوید و به تجربیات و خاطرات خود از تجربه توزیع اقلام در مناطق زلزله زده خوی نقبی می‌زند.

■ توزیع اقلام در حوادث چه پروتکل‌ها و احیاناً مشکلاتی دارد؟

توزیع اقلام امدادی به دو صورت انجام می‌شود؛ اول ارسال به انبارهای جمعیت‌های استانی در شرایط عادی است که توسط حوزه لجستیک سازمان امداد و نجات انجام می‌شود و دوم توزیع اقلام در بین آسیب‌دیدگان از سوانح است که در شرایط بحران توسط حوزه عملیات سازمان امداد و نجات صورت می‌گیرد.

در خصوص بخش اول باید بگویم که نقطه سفارشی برای حداقل موجودی انبارهای کشور وجود دارد که

اطلاعات جمعیتی را در اختیار جمعیت هلال احمر قرار دهند به خوبی صورت نمی‌گیرد. این کار باعث می‌شود تا توزیع اقلام با روندی آهسته، در برخی موارد ناعادلانه و گاهی بسیار بیشتر از نیاز جامعه آسیب دیده انجام شود که همه این عوامل مشکلات زیادی برای امدادگران به وجود آورده است.

■ **به نظر شما چه باید کرد تا هلال احمر در توزیع اقلام امدادی به مدیریت حساب شده‌تری برسد؟**
قبل از وقوع سوانح پیشنهاد و راه‌حل‌های زیادی در کارگروه بحران بررسی و به ارگان‌های مرتبط با شرح وظایف اعلام شده است. اما متأسفانه به دلایل

بلافاصله پس از رسیدن به آن نقطه درخواست خرید تنظیم و پس از طی فرایند و برگزاری مناقصات، کارشناسی و کنترل کیفیت، به صورت طرح تقسیم و بر مبنای استاندارد و شاخص‌های آمایشی هر استان، ارسال می‌شود. در بخش دوم هم که توزیع اقلام بین آسیب‌دیدگان است؛ کار بر اساس ارزیابی‌های نیروهای عملیاتی و شناسایی افراد آسیب دیده و با توزیع دفترچه خانوار و ثبت در سامانه نرم افزاری اسکان اضطراری که برای این منظور ایجاد شده است؛ صورت می‌گیرد. اما متأسفانه همکاری برخی از ارگان‌ها که باید اطلاعات خانوارهای آسیب دیده و



نامشخصی نحوه ارائه اطلاعات خانوار در مناطق آسیب‌دیده مناسب نیست و در اختیار عوامل امدادی قرار نمی‌گیرد. به نظر من یکی از دلایل اصلی توزیع بیش از نیاز و اشباع منطقه از اقلام امدادی و اغلب ناعادلانه همین موضوع است.

■ در زلزله خوی اساسی‌ترین مشکل در توزیع اقلام امدادی چه بود؟

جمعیت هلال احمر بر اساس پروتکل‌های تعیین شده موظف به ارائه خدمات در ۷۲ ساعت اول حادثه است اما به دلیل حساسیت‌های به وجود آمده، شایعات و اخبار غیر واقع برخی شبکه‌های اجتماعی و پس لرزه‌های مکرر، تعداد زیادی از خانوارهای شهری به منزل خود نرفتند و شب‌ها را در بیرون خانه و در سرمای هوا سپری کردند. شهرستان خوی دارای جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر است که بار اصلی ارائه خدمات امدادی به این جمعیت بر عهده هلال احمر بود که البته جمعیت هلال احمر نیز با استفاده از حداکثر ظرفیت خود در حد توان به ارائه خدمات پرداخت.

■ چه خاطراتی از گذشته تاکنون و در زلزله خوی دارید؟

خاطرات تلخ و شیرین بسیاری از حوادث مختلف طی این ۲۰ سال در ذهن من ثبت شده ولی بصورت مرتبط با این حادثه باید بگویم که در زمان ایجاد کمپ اسکان اضطراری در بوستان بانوان شهرستان خوی به محض ورود عوامل امدادی و خودروهای حامل چادر، مردم به یکباره با تصور تحویل چادر به داخل پارک هجوم آوردند که علیرغم تلاش عوامل انتظامی چندین ساعت طول کشید تا مردم متقاعد به همکاری شوند. در این میان موضوعی که جلب توجه می‌کرد حضور رییس سازمان امداد و نجات در کنار عوامل امدادی بصورت میدانی بود که با شور و حرارت خاصی سعی بر متقاعد کردن مردم داشتند تا اجازه نصب چادر و تجهیز آن را به عوامل امدادی بدهند تا پس از تکمیل به خانوارها تحویل شود. نهایتاً عملیاتی که می‌بایست حداکثر طی ۴ ساعت انجام شود، ۱۲ ساعت طول کشید. البته افرادی که قصد سوءاستفاده داشتند حاضر به اسکان در چادرهای نصب شده نبودند و اصرار داشتند که چادرهای تیپ ۲ امدادی که تقریباً ۴۵ کیلو وزن دارند را خودشان تحویل بگیرند، اما وقتی متوجه وزن چادر و مشقت حمل آن شدند از این کار منصرف و با ترفند بستن مسیر خودروی تریلی امدادی و ایجاد تنش تلاش داشتند که به نوع دیگری به مقاصد خود برسند. البته با همه مشکلاتی که وجود داشت خدا را شکر نتیجه کار رضایت بخش بود.

جمعیت‌های ملی ترکیه را تنها نگذاشتند



نیراعظم کهرایی | زلزله شدیدی به بزرگی ۷٫۸ ریشتر روز دوشنبه مورخ ۶ فوریه ۲۰۲۳ (۱۴۰۱/۱۱/۱۷) استان غازیانتهپ و ۹ شهر قهرمانماراش، هاتای، عثمانیه، آدیامان، مالاتیا، شانلی‌اورفا، آدانا، دیاربکر و کیلیس واقع در جنوب شرق کشور ترکیه را لرزاند. این زمین‌لرزه از زمان زلزله گولچوک در سال ۱۹۹۹، بزرگترین زمین‌لرزه کشور ترکیه بوده است و به فرو ریختن بیش از ۲٫۶۰۰ سازه در سراسر منطقه آسیب دیده منجر شد، به طوری که بیشتر زیرساخت‌ها و جاده‌ها آسیب دیده‌اند و برای کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان مشکلات عدیده‌ای به‌وجود آورده‌اند. در این زلزله بیش از هزاران نفر جان خود را از دست داده و مجروح شدند.

پس از وقوع زلزله، ۱۶۰ وسیله نقلیه، ۷۰۰ داوطلب و ۳۵۰ کارمند هلال احمر ترکیه وارد عمل شدند و نسبت به توزیع وعده‌های غذایی و اقامت زیستی از قبیل چادر و پتو در بین زلزله‌زدگان اقدام کردند. این زمین‌لرزه همچنین به خرابی ساختمان‌ها، کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از شهروندان سوری در مرز با ترکیه منجر شد.

در پی این اتفاق، فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر استمداد اضطراری را به

مبلغ ۲۰۰ میلیون فرانک سوئیس برای پاسخگویی به نیازهای زلزله‌زدگان دو کشور منتشر کرد و دو جمعیت هلال احمر ترکیه و هلال احمر عربی سوریه بلافاصله جهت حمایت از جوامع آسیب‌دیده بسیج شدند. نیازها دقیقه به دقیقه رو به افزایش بود و تیم‌های امداد و نجات در حال رسیدن به وضعیت آسیب‌دیدگان در مناطقی بودند که بیشترین آسیب را دیده‌اند و بازماندگان در زیر آوار گیر افتاده بودند. همچنین، تیم‌های هلال احمر ترکیه در ۱۰ استان آسیب دیده در مناطق جنوبی این کشور مشغول توزیع مواد غذایی، چادر، پتو و ارائه حمایت‌های روانی به بازماندگان بودند.

جمعیت هلال احمر سوریه نیز از همان ساعات اولیه با استفاده از عملیات جست و جو و نجات در مناطق زلزله‌زده در حال ارائه کمک‌های اولیه، انجام اقدامات پزشکی، تخلیه و انتقال آسیب‌دیدگان به بیمارستان‌ها بود. به گفته خاویار کاستلانوس، معاون دبیر کل فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر در بخش هماهنگی توسعه و عملیات، این زلزله خسارات قابل‌توجهی را به بار آورده است و به هنگام پاسخگویی، هر دقیقه آن حائز اهمیت است. شرایط سخت زمستانی،

آسیب‌پذیری‌های زلزله‌زدگان را به ویژه در کشور سوریه که درگیر جنگ ۱۰ ساله است، افزایش داده است. افرادی که خانه‌ها و عزیزان خود را از دست داده‌اند و نیازمند حمایت هستند که تلاش‌های بیشتری جهت امدادسانی باید با توجه به زمستان سخت در دو کشور انجام شود.

در چه مواقعی کمک‌های بین‌المللی برای حادثه‌دیدگان ارسال می‌شود؟

پس از وقوع هر سانحه‌ای جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال احمر اطلاعات اولیه مربوط به وقوع زلزله را در سامانه GO Platform فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر بارگذاری نموده و حسب ارزیابی از شدت و بزرگی سانحه، تعداد کشته‌شدگان و مجروحان آن نسبت به درخواست کمک مالی از صندوق اضطراری پاسخگویی به سوانح فدراسیون بین‌المللی (DREF) به منظور تامین نیازهای زلزله‌زدگان اقدام می‌گردد و متعاقباً نگارش درخواست کمک مالی از صندوق مذکور توسط همکاران بخش بین‌المللی جمعیت‌های ملی متأثر از سانحه و دفتر فدراسیون بین‌المللی انجام می‌شود. در همین راستا، فدراسیون، استمداد بین‌المللی را به مبلغ

۲۰۰ میلیون فرانک سوئیس جهت تامین نیازهای بشردوستانه زلزله‌زدگان منتشر کرده است.

جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران پیام‌های تسلیت و همدردی جداگانه‌ای را خطاب به دو جمعیت ملی هلال احمر ترکیه و سوریه ارسال کرده است و بر اساس حجم بالای تخریب، خسارات وارده و حسب درخواست رئیس جمعیت هلال احمر ترکیه، گروه‌های واکنش سریع جمعیت هلال احمر ایران با توجه به وظیفه ذاتی خود جهت کاهش آلام بشری در قالب تیم‌های امدادی و درمانی همراه با وسایل و تجهیزات جستجو و نجات و اقلام زیستی و سگ‌های جست‌وجو و نجات به منظور کمک‌رسانی به مردم زلزله‌زده این کشور عازم شدند و خدمات درخور و شایسته‌ای را در کمک به زلزله‌زدگان انجام دادند.

به دنبال اعزام تیم امدادی و درمانی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران به کشور ترکیه جهت کمک به کارکنان و داوطلبان هلال احمر ترکیه در ارائه خدمات امدادی و درمانی به زلزله‌زدگان، کرم کینیک، رئیس جمعیت هلال احمر ترکیه طی تماس تلفنی خطاب به دکتر پیرحسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل از حمایت جمعیت جهت کمک به زلزله‌زدگان این کشور تشکر و قدردانی کرد:

"برادر عزیزم،

السلام علیکم و رحمه الله برکاته

من واقعاً از تلاش‌های صمیمانه شما در شرایط سخت زلزله بزرگ منطقه متشکرم.

اگرچه خودتان با زلزله بزرگی مواجه بودید اما دستان یاری‌گر خود را جهت کمک به

دکتر کرم کینیک

رئیس جمعیت هلال احمر ترکیه

پس از وقوع زلزله، کشورهای بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، فرانسه، یونان، هلند، لهستان، رومانی، مجارستان، ایتالیا، اسپانیا، مالت و اسلواکی برای کمک به زلزله‌زدگان ترکیه‌ای اعلام آمادگی و به این کشور سفر کردند.



راه های ارتباطی

۳۰۰۰۲۷۰۰



نشریه پیام هلال در سری جدید انتشارش در نظر دارد در این صفحه صدای امدادگران، نجاتگران، داوطلبان و خلاصه همه مخاطبان این نشریه باشد. اگر شما به ما پیام بدهید و از مشکلات بگویید و پیشنهاداتتان را مطرح کنید، ما آنها را منعکس می کنیم و در شماره های بعدی هم پاسخ مسئولان مربوطه را منتشر خواهیم کرد.

سلام برای نجاتگران راننده حق الزحمه ۱.۵ برابر پیش بینی شده است؟
سلام؛ در دستورالعمل جدید ایاب و ذهاب پیش بینی لازم صورت گرفته است.



سلام وضعیت جذب دارندگان گواهینامه پایه یک و ایثار به کجا رسید؟
سلام؛ وضعیت جذب نیروهای ایثار و راننده پایه یک با انتخاب شرکت کارگزار در بهمن ماه نهایی و اعلام خواهد شد.



سلام خواستم بدانم که هلال احمر با کدام شعبه بیمه تامین اجتماعی قرار داد بسته است؟
سلام؛ تفاهم نامه به صورت کلی با سازمان تأمین اجتماعی مرکز (تهران) منعقد شده و به صورت یکپارچه حق بیمه پرداخت می شود.

سلام من بیمه چهارده درصد مشاغل آزاد میدم آیا الان نیازی نیست برم تامین اجتماعی و مجدد اقدام کنم واسه هجده درصد؟
سلام در خصوص درصد و اقدامات بیمه خود جمعیت اقدام خواهد نمود.



سلام وقتتون بخیر، ابلاغ درجات جدید از کی اعمال میشه؟
سلام، با توجه به دستور رئیس جمعیت و افزایش هزینه ایاب و ذهاب و بیمه نیروهای داوطلب، فعلا یکسان سازی درجات به حالت تعلیق درآمده است.



سلام چگونه اطلاعات امدادیار را می شود ویرایش کرد؟
سلام؛ در این مرحله ویرایش و تأیید می بایست از سوی مسئول امداد یا رئیس شعبه انجام شود.

سلام، من امدادگر ۲ هستم و از بانو، اگر در شیفت باشم، آیا برام بیمه محاسبه میشه؟
سلام بر شما، بحث بیمه برای درجات امدادگر یکم به بالا هست.



چند سالی هست که در خدمت مردم و جمعیت هستیم و خدا رو شکر الان هم شامل بیمه شدیم بعد از این که بیمه محاسبه شد یکی دو ماه اگه نتوانستیم شیفت وایسیم و وقفه افتاد مثلا دو سه ماه نتوانستیم در خدمت باشیم بعد از این وقفه بیمه چی میشه؟؟

اون بیمه ای قبلا ریخته شده ادامه پیدا میکنه؟؟
سلام، اگر قطع همکاری کنید، پرداخت بیمه از سوی جمعیت متوقف خواهد شد ولی ماه های قبلی که پرداخت شده در سابقه سنواتی شما باقی خواهد ماند.

